

تحلیل ساختار نامه‌های امام کاظم علیه السلام

منصور داداش‌نژاد^۱
سید سجاد جعفری^۲

چکیده

پژوهش حاضر، درصدد بررسی ساختار و شکل ظاهری نامه‌های امام کاظم علیه السلام است. بررسی در این موضوع، از آن رو حایز اهمیت است که می‌تواند در اعتبارسنجی میراث به‌جای‌مانده از امام کاظم علیه السلام کمک نموده، به چگونگی بهره‌مندی بهینه از آن رهنمون شود. از امام کاظم علیه السلام ۹۷ نامه بر جای مانده است که برای به‌دست‌آوردن الگوی ظاهری آن‌ها، از جهت چگونگی شروع و پایان، ذیل شش عنصر که در الگوی نامه‌نگاری عصر امام کاظم علیه السلام هریک جایگاه تعریف‌شده‌ای داشت، مورد بررسی قرار گرفت. اجزای شش‌گانه مورد بررسی در هر نامه، عبارت‌اند از: ۱. کلیشه‌های آغازین نامه؛ ۲. یاد از نویسنده نامه؛ ۳. یاد از گیرنده؛ ۴. عبارات و کلیشه‌های پایانی؛ ۵. ثبت تاریخ؛ ۶. درج نام کاتب نامه.

نتیجه بررسی، بیانگر آن است که نامه‌های موجود و منسوب به امام کاظم علیه السلام دارای ساختار یکسانی نیست و اجزای شش‌گانه مورد بررسی، به گونه ثابت در نامه‌های امام تکرار نمی‌شود. بنابراین، می‌توان احتمال داد نامه‌های آن حضرت به‌صورت کامل و در شکل اصلی به منابع منتقل نشده و در مسیر انتقال، راویان و گزارش‌گران به‌تناسب سلیق و علایق خویش، موارد و بخش‌هایی از نامه را گزینش و یا نقل به معنا کرده‌اند. از این‌رو، با اتکا به نامه‌های موجود امام کاظم علیه السلام نمی‌توان به سیره نوشتاری آن حضرت در نامه‌آرایی دست یافت.

۱. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: m.dadash@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان قم: sayyedjafari313@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۸/۶

کلیدواژگان

امام کاظم علیه السلام، نامه‌های امام کاظم علیه السلام، مکتوبات امام کاظم علیه السلام، سیره فرهنگی ائمه علیهم السلام، نقل به معنا.

مقدمه

درباره دوازده امام علیهم السلام و زندگی ایشان، مطالعات گوناگونی به انجام رسیده است و هریک از این پژوهش‌ها، عرصه‌ای از زندگی ایشان را از منظر موردنظر خویش کاوش و بررسی کرده است. از جمله عرصه‌های پژوهشی درباره ائمه، بررسی سیره فرهنگی ایشان است. این موضوع را می‌توان از منظرهای مختلفی مورد بررسی و مذاقه قرار داد. یکی از مسیرها برای دستیابی به سیره فرهنگی امام علیه السلام، بررسی موضوع از خلال آثار به‌جای‌مانده از ایشان است. بخشی از این آثار، مکتوبات هر امام است و بخشی از این مکتوبات نیز نامه‌هایی است که از هریک از ائمه علیهم السلام صادر شده است. از میان سه گونه اطلاعاتِ دربردارنده سیره ائمه علیهم السلام، یعنی: «گزارش‌ها»، «سخنان و خطبه‌ها» و «آثار مکتوب»، می‌توان گونه اخیر را که نامه‌ها نیز در شمار آن است، دارای اهمیت بیشتری دانست.

نامه‌ها و مکتوبات، در بررسی‌های تاریخی دارای ارزش والا و جایگاه و اعتبار بیشتری نسبت به انواع گزارش‌های مستقیم دیگر است. آنچه بر اهمیت بیشتر نامه‌ها در صدر اسلام می‌افزاید، این است که نامه تقریباً ابزار منحصری در باب ارتباطات و مناسبات میان افرادی که در فواصل دور از یکدیگر می‌زیستند، بوده است. جایگاه والای نامه‌نگاری در صدر اسلام، بدان جهت بود که وسایل ارتباط جمعی چون امروزه گسترش و تنوع نداشت و پیام‌های مهم و ضروری، از طریق نامه انتقال می‌یافت و نامه‌نگاری نقش اساسی در ارتباطات ایفا می‌کرد. نامه‌ها به جهت ثبت شدن، با تأمل و تأنی بیشتری نوشته شده و ماندگاری و اعتبار افزون‌تری داشت.

ائمه علیهم السلام و از جمله امام کاظم علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی هواداران ایشان در نقاط مختلف قلمروی جهان اسلام، از این ابزار در تعاملات خویش بهره برده و نامه‌های شایان توجهی از ایشان بر جای مانده است. این نامه‌ها، دارای محتوای بسیار غنی است که به بیان موضوعات به‌صورت صریح می‌پردازد و دربردارنده مطالبی دیگر به‌شکل غیرمستقیم است.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناسایی ساختار نامه‌های امام کاظم علیه السلام و دستیابی به الگوی ظاهری و شکل نامه‌های آن حضرت است. برای به‌دست‌آوردن فرم و الگوی نامه‌های امام

کاظم علیه السلام، دو محور آغاز و پایان نامه‌ها بررسی خواهد شد:

۱. ورودیه نامه. در این محور، سه موضوع موردنظر قرار می‌گیرد: کلیشه‌های آغاز نامه؛ فرستنده و شیوه یادکرد از او؛ گیرنده نامه.
۲. پایان و خاتمه نامه. در این عنوان، سه موضوع بررسی می‌شود: کلیشه‌های پایان نامه؛ ثبت تاریخ نگارش نامه؛ ثبت کاتب نامه.

برای گردآوری و شناسایی نامه‌های امام کاظم علیه السلام، از کتاب مکاتیب الائمة تألیف مرحوم آیت‌الله علی احمدی میانجی (مکاتیب الائمة، ۱۳۸۵) که جلد چهارم آن، به گردآوری نامه‌های امام کاظم علیه السلام همت کرده، استفاده نموده‌ایم. این کتاب، تعداد ۱۰۵ نامه برای آن حضرت شناسایی و معرفی کرده است. برخی موارد گردآمده در این کتاب، نامه قلمداد نمی‌شود؛ از جمله، وصیت‌ها و تعویذات، در قلمروی گردآوری آیت‌الله میانجی قرار گرفته است و حال آنکه این موارد، نامه به شمار نمی‌رود؛ زیرا نامه در تعریف نوشته حاضر، لازم است دارای سه عنصر نیت نامه‌نگاری، انتقال پیام و گیرنده نامه، بوده باشد که با تعریف پذیرفته‌شده از نامه، تعداد نامه‌های امام کاظم علیه السلام ۹۷ نامه خواهد بود. کتاب یادشده صرفاً گردآوری نامه است و تحلیلی در باب ساختار و شکل نامه‌های امام کاظم علیه السلام که این نوشته متکفل آن است، دربر ندارد. از این رو، می‌توان پژوهش حاضر را فاقد پیشینه خاصی دانست. تعداد نامه‌های به‌جای‌مانده از ائمه معصومین علیهم السلام، در جدول ذیل مشخص شده است.

تعداد نامه	امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۱	امام علی <small>علیه السلام</small>
۱۹	امام حسن <small>علیه السلام</small>
۲۵	امام حسین <small>علیه السلام</small>
۹	امام سجاد <small>علیه السلام</small>
۱۴	امام باقر <small>علیه السلام</small>
۵۸	امام صادق <small>علیه السلام</small>
۹۷	امام کاظم <small>علیه السلام</small>
۱۶۷	امام رضا <small>علیه السلام</small>

۱۱۶	امام جواد <small>علیه السلام</small>
۲۷۳	امام هادی <small>علیه السلام</small>
۱۳۷	امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۱۱۱	امام زمان <small>علیه السلام</small>

تعداد نامه‌های به‌جای‌مانده از ائمه علیهم السلام

امام کاظم علیه السلام در سال ۱۲۸ق متولد شد. سال‌های نخستین زندگی آن حضرت، مقارن با دوران سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی‌عباس بود. آن حضرت در چنین محیطی، تحت راهنمایی و تربیت پدر بزرگوارشان رشد نمود و با حضور در مجالس علمی، از مکارم اخلاقی و علم و دانش بی‌کران آن حضرت بهره‌برد. پس از شهادت امام صادق علیه السلام در سال ۱۴۸هجری، دوران ۳۵ ساله امامت امام کاظم علیه السلام آغاز شد. ایشان با چهار تن از خلفای عباسی (منصور، مهدی، هادی و هارون) هم‌دوره بود و در سال ۱۸۳ق به شهادت رسید.

با تقویت نظام وکالت در این عصر، ارتباط امام کاظم علیه السلام و شیعیان، نظم بیشتری یافت و آن حضرت به‌واسطه وکیلان خود، ارتباط با شیعیان را سامان‌دهی و پی‌گرفت. در روند جدید، با توجه به گسترش نظام وکالت، نامه‌نگاری و برقراری ارتباط به وسیله نامه، دارای ارزش بیشتری شد و امام کاظم علیه السلام و ائمه علیهم السلام پس از وی، با توجه به شرایط جدید، از این ابزار بهره‌ بیشتری بردند؛ چنان‌که آمار نامه‌های به‌جای‌مانده از ائمه علیهم السلام چنین موضوعی را اثبات می‌کند.

نامه‌آرایی در عصر امام کاظم علیه السلام

در دوران خلفای نخست عباسی که هم‌زمان با امامت امام کاظم علیه السلام بود، نامه‌نویسی توسط خلفا رواج داشت و نامه‌هایی از چهار خلیفه هم‌عصر امام کاظم علیه السلام به ثبت رسیده است. در این دوران، نامه‌ها بر کاغذ نوشته می‌شد. خلفا دارای کاتبان رسمی بودند و دیوان رسائل، متکفل نامه‌آرایی برای خلفا بود. نگارش نامه، الگوی خاصی داشت؛ در پایان نامه تاریخ ثبت می‌شد و با آیین خاصی مهر و موم می‌شد (محمد ماهر حماده: ۱۶۷، ۱۶۹ و ۱۹۷). خلفا معمولاً ارسال نامه‌های خود را از طریق برید که به‌منزله اداره پست بود، انجام می‌دادند.

ائمه هم‌دوره با خلفای عباسی، به جهت اینکه تحت نظر حکمرانان عباسی بوده و حساسیتی

روی ایشان بود و ارتباطات و آموشد به منزل ایشان کنترل می‌شد، تلاش کردند از ابزارهای جایگزین دیدار رسمی بهره بیشتری ببرند. از این رو، ائمه پس از امام صادق علیه السلام، بیشتر از ابزار نامه‌نگاری بهره برده، نامه‌های بیشتری از ایشان به ثبت رسیده است.

ساختار نامه‌ها

نامه‌ها از نظر شکل ظاهری، معمولاً دارای سه قسمت هستند: آغاز نامه (مقدمه)، متن اصلی نامه (پیام) و پایان نامه (خاتمه). در پژوهش پیش رو، دو قسمت آغاز و پایان نامه‌های امام کاظم علیه السلام بررسی می‌شود:

۱. آغاز نامه

شروع نامه‌ها معمولاً دارای فرم خاصی بود و با عبارات رایج کلیشه‌ای همراه بود؛ چنان‌که نامه‌های اداری کنونی، دارای شکل و ظاهر شناخته‌شده است. شروع با یاد خدا (بسم‌له)، سپس ذکر فرستنده و پس از آن، یاد از گیرنده (من... الی...)، و در ادامه، حمد و سپاس خداوند به‌عنوان مقدمه و شروع نامه بود. ورود به متن نامه، با تعابیری همچون «أما بعد» بود.

۱-۱. عبارات کلیشه‌ای آغازین

نامه‌های امام کاظم علیه السلام، به گونه‌های زیر شروع شده است:

الف. شروع با «بسم الله الرحمن الرحيم»

از میان ۹۷ نامه امام علیه السلام، هفت نامه حضرت با نام خدا آغاز شده است (احمدی میانجی، ج ۴: ۴۱۵، ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۶۳، ۴۷۵، ۵۰۷ و ۵۱۰) و باقی نامه‌ها، فاقد نام خداست و با عبارات دیگری آغاز شده است. شروع با نام خدا، پیشینه در عصر جاهلیت داشت و مکتوبات مهم آن عصر نیز با عباراتی همچون «باسمک اللهم» آغاز می‌شد؛ چنان‌که صحیفه حصار بنو هاشم و نیز عهدنامه حدیبیه، با همین تعبیر آغاز شده بود (ابن هشام، ج ۱: ۳۷۶؛ همو، ج ۲: ۳۱۷؛ ابن سعد، ج ۱: ۱۶۳ و ۲۰۲؛ همو، ج ۲: ۷۷؛ یعقوبی، ج ۲: ۵۴). فقدان نام خدا در نامه‌های موجود امام کاظم علیه السلام، نیازمند بررسی و تحلیل است و تحلیل چرایی این فقدان، در گرو شناخت انواع نامه و گونه انتقال آنهاست.

در میان هفت نامه‌ای که با یاد خدا آغاز شده، یک نامه پس از نام خداوند، با «حمد

پروردگار» ادامه یافته است (الحمد لله العلی العظیم) (احمدی میانجی، ج ۴: ۵۱۰). این الگوی الگوی شناخته شده و رایجی بود که در نامه های دیگر، از جمله نامه های عمر بن خطاب به چشم می خورد (ابن اعثم، ج ۲: ۳۱۰).

ب. با الگوی «مِن... الی...»

در این ساختار، نامه با یاد از نویسنده و گیرنده آغاز می شود (احمدی میانجی، ج ۴: ۳۷۴)؛ چنان که نامه های به جای مانده از امام علی علیه السلام دارای چنین الگویی بود (نصر بن مزاحم منقری: ۵۷؛ خصیبی: ۱۴۳؛ مسعودی، ج ۳: ۱۳). با وجود اینکه نامه های آن دوره، بیشتر در همین فرمت نگارش یافته است (محمد ماهر حماده: ۱۵۲)، اما در میان نامه های امام کاظم علیه السلام، تنها یک نامه امام که به سوی یحیی بن عبدالله بن حسن صاحب دیلم ارسال شده، دارای چنین الگویی است: «من موسی بن ابی عبدالله... الی یحیی بن عبدالله بن حسن» (کلینی، ج ۱: ۳۶۷).

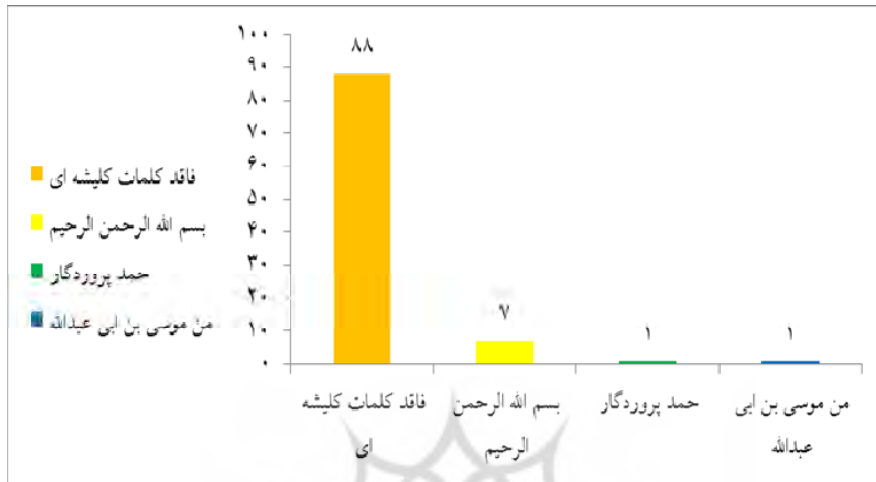
ج. شروع با «حمد پروردگار»

در بین نامه های امام، تنها یک نامه با حمد پروردگار شروع شده است که امام با عبارت «الحمد لله الملهم عباده حمده» نامه را آغاز نموده است (احمدی میانجی، ج ۴: ۳۵۷).

د. بدون کلیشه و شروع خاص

بیشتر نامه های برجای مانده از امام علیه السلام، چنین است. این نامه ها، نه با یاد خدا شروع شده و نه دارای حمد و سپاس الهی است و فاقد واژگان و عباراتی همچون: «أما بعد» است. بیشتر این نامه ها، در پاسخ به سؤالات شیعیان تدوین شده (ر.ک: احمدی میانجی، ج ۴: ۳۴۹-۵۱۸) و اقتضایی است و تابع دستور و شیوه خاصی نیست. رسمی نبودن این نامه ها و ماهیت پاسخی داشتن آن، موجب آن شده که نامه تابع الگوهای خاص نامه نگاری نباشد.

نمودار آغاز نامه‌ها



با بررسی نامه‌ها از جهت آغاز آنها، به الگوی خاصی که دربرگیرنده بیشتر نامه‌ها امام علیه السلام شود، نمی‌توان دست یافت. کثرت نامه‌های فاقد کلیشه و فرم خاص، به‌ویژه شروع نشدن نامه‌ها با نام خدا که به‌گونه‌ای مخالف سیره ائمه علیهم السلام در تأکید بر شروع کارها با نام خدا بود،^۱ می‌توان چند احتمال را مدنظر قرار داد:

نخست اینکه متن نامه‌ها به‌صورت کامل به دست ما نرسیده است و راویان و ناقلان بعدی، نامه‌ها را به‌صورت کامل نقل نکرده‌اند و تنها به بخش اصلی نامه اکتفا نموده، فراز مهم و کاربردی آن را نقل کرده‌اند؛ دوم این احتمال می‌رود که چون اکثر نامه‌های امام کاظم علیه السلام از نوع پاسخ و جواب بوده است، امام علیه السلام با کوتاه‌ترین جملات به نقل پاسخ اکتفا نموده و از تفصیل پرهیز کرده است و تشریفات نامه‌نگاری را کنار نهاده است؛ به‌ویژه که چون پاسخ‌ها کوتاه بوده، معمولاً ذیل نامه‌های اصلی نگاشته می‌شده است. از این‌رو، با توجه به حاشیه‌ای بودن پاسخ نامه از سوی امام علیه السلام، فاقد نام خدا و یاد از گیرنده نامه بوده است و تنها به جواب اجمالی اکتفا شده است و قراین موجود در اصل نامه، نیاز به تصریح به اجزای نامه را برطرف می‌کرده است. واژه‌های به‌کاررفته در نامه‌های امام علیه السلام، مؤید آن است که حضرت پاسخ خود را در مواردی که

۱. «كُلُّ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَّا يُدْرِكُ بِسْمِ اللَّهِ فِيهِ فَهُوَ أَتَمُّ.» (وسائل الشیعه، ج: ۷، ص: ۱۷۰)

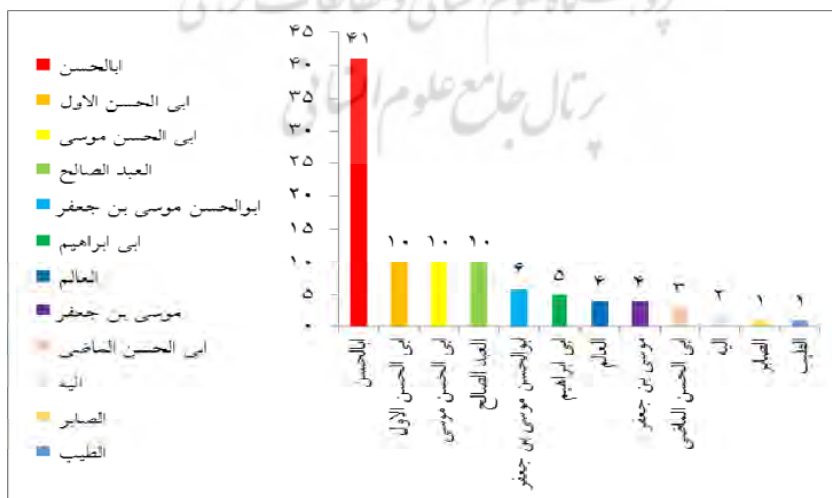
نامه ابتدایی نبود، ذیل و در کنار برگه و نامه اصلی می‌نگاشت و از برگه دریافت شده، بیشترین استفاده را می‌کرد؛ به‌خصوص اینکه تهیه نوشت‌افزار و کاغذ در آن ایام، به‌آسانی این‌روزگار نبود. در نامه‌های موجود امام کاظم علیه السلام، پاسخ آن حضرت با واژه‌هایی چون «فوق» یا «کتب فی عرضه» آمده است که بیانگر نگارش پاسخ نامه در ذیل و یا کنار برگه اصلی نامه بوده است. بیشتر نامه‌های امام علیه السلام نامه‌هایی از نوع پاسخ است و نامه‌های ابتدایی نیست. با توجه به گونه نامه، می‌توان چنین برداشت کرد که پیگیری الگوهای رسمی نامه‌نگاری، در همه انواع نامه لازم نبوده است و در نامه‌هایی از گونه پاسخ، جواب نامه ذیل همان نامه و یا در کنار آن نوشته می‌شده است و به این مناسبت، الگوی نامه کامل در آن مراعات نمی‌شده است.

۲-۱. فرستنده و شیوه یادکرد

نویسندگان نامه‌ها، پس از یاد خداوند، در ابتدای نامه از نام خویش یاد نموده و اظهار می‌داشتند که نامه از سوی چه کسی ارسال می‌شود. بیشتر، نام و نام پدر خود را می‌نوشتند. در ۹۷ نامه برجای‌مانده از امام کاظم علیه السلام، تنها در متن دو نامه، امام از خود به‌عنوان «موسی بن ابی عبدالله جعفر» (احمدی میانجی، ج ۴: ۳۷۴) و «موسی بن جعفر بن محمد» یاد می‌کند (همان: ۵۰۶) و در باقی موارد، یادکرد از امام علیه السلام در بیرون نامه و مربوط به گزارشگران نامه و با عناوین و القاب زیر بود:

«ابالحسن، ابالحسن الأوّل، ابی‌الحسن موسی، العبد الصالح، ابوالحسن موسی بن جعفر، ابی-ابراهیم، العالم، ابی‌الحسن الماضي، موسی بن جعفر، الیه (ضمیر)، الصابر والطیب».

گونه‌های یادکرد از امام علیه السلام



بر اساس آمارهای یادشده، بیشترین عنوانی که برای امام علیه السلام در بیرون متن اصلی نامه به کاررفته، تعبیر «ابوالحسن» و پس از آن، به ترتیب: ابی‌الحسن الأول، ابوالحسن موسی، العبد الصالح، ابوالحسن موسی بن جعفر، ابی‌ابراهیم، العالم، موسی بن جعفر، ابی‌الحسن الماضی، الصابر و الطیب بوده است. لقب «کاظم» که اینک مشهورترین لقب امام است، در نامه‌های ایشان به کار نرفته است.

کنیه ابوالحسن در احادیث شیعه، برای یادکرد از امام علیه السلام کاربرد بیشتری داشت و برخی القاب مدح‌آمیز آن حضرت، مانند: العبد الصالح، الصابر و الطیب، در گزارش نامه‌ها برای ایشان به کاررفته است که آشکارا نشان می‌دهد از خود حضرت نیست؛ زیرا امام علیه السلام خود را با این القاب یاد نمی‌کرده است؛ چنان که تعبیر «ابوالحسن الماضی»، نشانگر این است که پس از درگذشت امام علیه السلام این وصف برای ایشان به کاررفته است؛ به همین گونه، کنیه «ابوالحسن اول» از طرف دیگران و برای تمایز میان وی و دیگر ابوالحسن‌ها، به امام داده شده است و نمی‌توانسته در نوشته و کلام خود حضرت به کار رفته باشد.

موارد یادشده، بیانگر آن است که در گزارش نامه‌ها، راویان به سلیقه خویش و با توجه به نامبردار شدن امام علیه السلام به کنیه‌ها و یا القاب خاص در هر دوره، این تعابیر را درباره حضرت به کار برده‌اند و این واژه‌ها، واژگانی نیست که امام علیه السلام در متن نامه و برای یادکرد از خود به کار برده باشد.

این موضوع که ائمه علیهم السلام از سوی حکمرانان تحت کنترل بوده‌اند و از این رو، در نامه‌ها تمایل نداشتند به صورت صریح از خویش یاد نمایند و اصحاب ایشان نیز رمزگونه از ایشان یاد می‌کرده‌اند (مظفر: ۹۶؛ مختار اللیثی: ۳۰۰) نیز نمی‌تواند توجیهی برای این گونه یادکرد باشد؛ زیرا برخی تعابیر مانند ابوالحسن ماضی، نشانگر تولید آن پس از رحلت امام علیه السلام است؛ چنان که تعبیر ابوالحسن اول، بیانگر آن است که این گونه تعابیر، پس از امام علیه السلام برای تمییز میان آن حضرت و ابوالحسن‌های دیگری که پس از وی آمده‌اند، به کار رفته است. این قیده‌ها، توسط دیگران و برای گویا شدن متن اصلی استفاده شده است.

بنابراین به نظر می‌رسد که تعابیر به کاررفته در گزارش نامه‌های امام کاظم علیه السلام و شیوه یادکرد از آن حضرت که در بیرون متن نامه انعکاس یافته، تحت تأثیر فرهنگ و سلیقه راویان و گزارشگران و نیز رفع ابهامات نامه‌ها قرار گرفته و با توجه به شهرت امام کاظم علیه السلام در ادوار مختلف به القاب و کنیه‌های متفاوت، از ایشان به گونه‌های متفاوت یاد شده است.

۳-۱. گیرنده

در الگوی نامه‌نگاری، نویسنده نامه پس از یاد از خود، به گیرنده نامه اشاره می‌کند و نام وی را ثبت می‌نمود. مخاطب و گیرنده نامه‌های امام کاظم علیه السلام، گاه یک شخص بوده و گاه گروهی بوده‌اند. از مجموع نامه‌های امام کاظم علیه السلام، مخاطب دو نامه، عام و مخاطب ۹۵ نامه، خاص است. مخاطبان خاص، ۷۳ نفر هستند؛ یعنی ۹۵ نامه‌ی امام، به ۷۳ نفر ارسال شده که طبیعتاً برای افرادی بیش از یک نامه و برای افرادی تنها یک نامه ارسال گردیده است. در متن نامه‌های امام علیه السلام، به نام گیرنده در موارد اندکی اشاره شده است؛ اما می‌توان از اطلاعات جانبی نامه، به نام دریافت کننده نامه پی برد. عدم تصریح به نام گیرنده نامه و فقدان آن در متن نامه، در نامه‌های ابتدایی، نه نامه‌هایی از نوع پاسخ، حاکی از آن است که بخش‌هایی از نامه حذف شده و این موارد، به بیرون نامه منتقل شده است و اینک با استناد به اطلاعات بیرون از متن نامه، می‌توان به آن دست یافت.

در جدول زیر، اسامی افرادی که بیش از یک نامه از امام علیه السلام دریافت کرده‌اند، به ترتیب فراوانی نامه‌ها درج شده است:

جدول مخاطبان نامه‌ها

تعداد	نام	تعداد	نام
۲	جعفر بن احمد المکفوف	۷	علی بن یقطين
۲	صالح بن عبدالله الخثعمی	۴	عبدالرحمن بن حجاج
۲	سعدان بن مسلم	۳	عبدالله بن جندب
۲	احمد بن زیاد	۳	موسی بن بکر الواسطی
۲	زیاد بن مروان القندی	۲	علی بن حمزه
۲	سلیم مولى علی بن یقطين	۲	امام رضا <small>علیه السلام</small>
		۲	مهدی عباسی

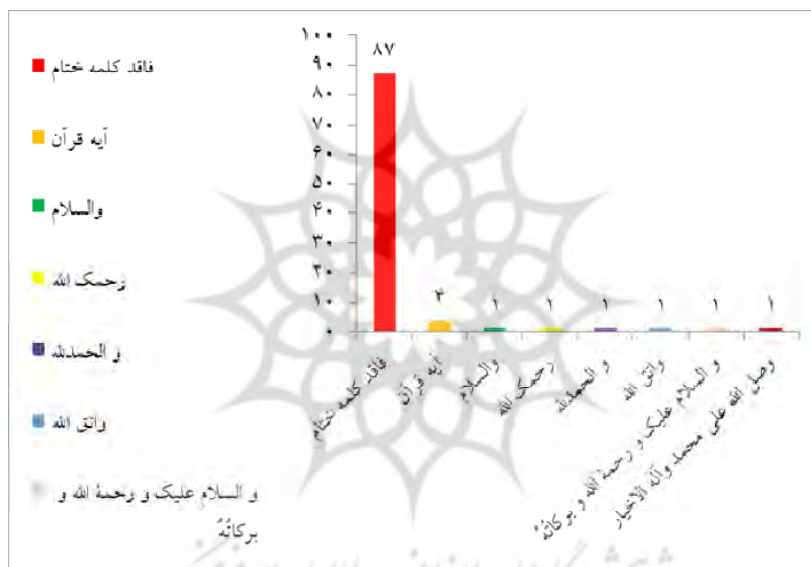
با توجه به جدول فوق، امام علیه السلام بیشترین مکاتبات را با سه نفر داشته است: علی بن یقطين، عبدالرحمن بن حجاج و عبدالله بن جندب که هر سه از وکلای حضرت بوده‌اند.

۲. الگوهای انجامه و پایان نامه

نامه‌ها به طور معمول، با کلیشه خاصی پایان می‌یافت. ابتدا عبارتی کلیشه‌ای مانند «والسلام» ذکر می‌شد، در ادامه، تاریخ نگارش نامه ثبت می‌گردید و در انتها، نام کاتب درج می‌شد. این سه مورد، در نامه‌های امام کاظم علیه السلام بررسی می‌شود:

۱-۲. عبارت کلیشه پایان. تعداد ۱۰ نامه از ۹۷ نامه امام کاظم علیه السلام، دارای ختام خاص است که در نمودار مشخص شده است.

نمودار پایان نامه‌ها



همان‌طور که در نمودار فوق مشخص شده، در پایان نامه‌های امام علیه السلام از کلیشه‌های زیر استفاده شده است: «والسلام» (احمدی میانجی، ج ۴: ۴۴۵)؛ «والسلام عليك و رحمة الله وبرکاته» (همان: ۵۰۸)؛ آیاتی همچون: «ان الله يفعل ما یشاء»، «والسلام علی من اتبع الهدی انا قد اوحی الینا ان العذاب علی من کذب وتولی»، «فاینما تولوا فثم وجه الله» و «حسبنا الله ونعم الوکیل» (همان: ۳۶۷، ۳۷۵، ۴۰۳ و ۴۳۹)؛ و عباراتی چون: «رحمک الله» (همان: ۴۲۶)، «و الحمد لله» (همان: ۴۴۱)، «واتق الله» (همان: ۴۷۰) و «وصل الله علی محمد وآله الأخیار» (همان: ۵۱۲). با این حال، بیشتر نامه‌های امام علیه السلام در پایان، فاقد عبارات کلیشه است. این پراکندگی و عدم یکنواختی در پایان نامه‌ها، بیانگر اقتضایی بودن این نامه‌هاست؛ یعنی امام به -

تناسب نامه، شیوه خاصی از پایان را رقم زده است. نوشتار بر اساس الگو را می‌توان در برخی نامه‌های رسمی امام علیه السلام، مانند نامه به یحیی بن عبدالله که با آیه «والسلام علی من اتبع الهدی» پایان یافته (همان: ۳۷۵)، مشاهده کرد.

۲-۲. تاریخ‌گذاری

نامه‌های رسمی خلفای هم‌عصر امام کاظم علیه السلام دارای تاریخ بوده و زمان نگارش نامه در پایان آن مشخص شده است. تاریخ‌گذاری در نامه‌های رسمی - نه همه گونه نامه - مرسوم و رایج بوده است. با تشکیل دیوان مربوط به کتابت (دیوان رسایل)، رسم بر این بود که نامه‌ها تاریخ زده می‌شد. از این رو، غالب نامه‌هایی که نویسنده نامه، خود شخص نبوده، بلکه کاتب مخصوص داشته، دارای تاریخ است (محمدماهر حماد، نامه شماره ۱۸۸: ۲۰۹)؛ چنان‌که نامه‌های امام علی علیه السلام که توسط عبیدالله بن ابورافع نگارش یافته، دارای چنین ویژگی است (ر.ک: طبری، ج ۴: ۵۴۸ - ۵۵۶). نامه‌ها و تعهدات مهم، مانند نامه تقسیم ولایات برای جانشینان و فرزندان هارون و نیز نامه ولایتعهدی و جانشینی امام رضا علیه السلام، دارای تاریخ بوده است (ر.ک: قلقشندی: ۹۸ - ۱۰۳؛ محمدماهر حماد، ۱۸۹ - ۲۸۳).

در میان نامه‌های امام کاظم علیه السلام، تنها یک نامه تاریخ دارد و آن هم نامه امام به خیزران، مادر هارون و هادی عباسی است که در آن نامه، امام علیه السلام مرگ هادی را به او تسلیت گفته و از طرفی، خلافت هارون را به وی تبریک گفته و در پایان نامه، تاریخ هفتم ربیع‌الآخر سال ۱۷۰ ثبت شده است: «و کتبت یوم الخمیس لسبع لیل خلون من شهر ربیع الآخر سنه سبعین و مائة» (حمیری: ۳۰۶).

در این نامه، امام علیه السلام علاوه بر سال و ماه، روز ماه و روز هفته را نیز مشخص کرده است که کامل‌ترین نمونه ثبت زمان است. این نامه، چون برای تعزیت مرگ خلیفه‌ای نوشته می‌شد، جنبه رسمی و اداری داشت و امام نیز این اصول و تشریفات را در نامه رعایت کرده است. حذف یا عدم ثبت زمان در باقی نامه‌های امام کاظم علیه السلام، می‌توانسته ناشی از غیررسمی بودن نامه بوده باشد؛ ضمن آنکه احتمال ثبت آن از سوی امام و حذف آن از سوی ناقلان بعدی، با این توجیه که در بردارنده مطلب مهمی نیست، احتمال پذیرفته‌ای است؛ زیرا در نامه امام به عبدالله بن یحیی که نامه‌ای رسمی قلمداد می‌شود نیز تاریخ ثبت نشده است.

۳-۲. کاتب نامه

خلفا و کارگزاران معمولاً افرادی را به‌عنوان کاتب در دستگاه خویش استخدام می‌کردند و از آنها برای نگارش نامه بهره می‌بردند؛ چنان‌که نامه‌های امام علی علیه السلام را بیشتر عبیدالله بن ابورافع می‌نگاشت و در پایان نامه نیز نام خود را ثبت می‌کرد (ر.ک: طبری، ج ۴: ۵۴۹-۵۵۶). شواهدی که نشان دهد امام کاظم علیه السلام در نگارش نامه‌های خویش، از کاتب بهره می‌گرفته، در دست نیست و به نظر می‌رسد که امام علیه السلام به دست خویش نامه‌ها را نگارش می‌کرده است؛ به‌ویژه اینکه در تعدادی از نامه‌ها تصریح شده است که امام علیه السلام با خط خود، نامه را نگارش کرده است: «کَتَبَ بِخَطِّهِ»^۱ بیشتر نامه‌های برجای مانده از امام علیه السلام، نامه‌های غیررسمی و پاسخ به نامه است که در این‌گونه موارد، به‌اجمال اکتفا می‌شده و آداب و رسوم نامه‌نگاری در آن مراعات نمی‌گردیده است. کم بودن حجم بیشتر نامه‌های امام علیه السلام که در حدود دو سطر است نیز می‌تواند قرینه‌ای بر ذیل و حاشیه‌ای بودن نامه‌های امام علیه السلام باشد.

نتیجه

پژوهش حاضر، با بررسی و تحلیل ساختار و شکل ظاهری نامه‌های امام کاظم علیه السلام، تلاش کرد الگوی نگارش نامه‌های امام را شناسایی کند. دستاورد برآمده از این بررسی، آن است که ساختار واحدی بر نامه‌های موجود امام کاظم علیه السلام حکم‌فرما نیست. درباره این ناهمگونی، می‌توان احتمال داد که نامه‌های امام کاظم علیه السلام در قامت اصلی خود به نسل‌های بعد نرسیده است؛ زیرا آن حضرت همچنان‌که از برخی نامه‌های ایشان برمی‌آید، در نامه‌آرایی شکل ظاهری آن را رعایت کرده و در قالب خاصی نامه را نوشته و نامه‌های ایشان، آغاز و فراز و پایان کاملاً حساب‌شده‌ای داشته است. بنابراین، برای پاسخ به عدم یکنواختی نامه‌ها، علاوه بر توجه به شیوه انتقال نامه‌ها در متون و دقت در اعمال سلیقه گزارشگران، می‌توان به این نظر نیز توجه کرد که نامه‌های امام علیه السلام، گونه‌های مختلفی داشته است و امام علیه السلام تنها در یک‌گونه تشریفات نامه‌نگاری را رعایت کرده‌اند و در گونه‌های غیررسمی، به اقتضا و به‌تناسب متن اصلی نامه، پاسخ داده است. این‌گونه نامه‌آرایی، به جهت ماهیت نامه‌هایی از گونه پاسخ بود که با توجه به در دست بودن اصل نامه، پاسخ نامه ماهیت ذیل‌نویسی داشت. بنابراین، برخی اجزای نامه، مانند یاد از خداوند و گیرنده نامه، با در دست بودن قراین، حذف می‌شد و به‌صورت خلاصه، به نامه پاسخ داده می‌شد.

۱. (احمدی میانجی، ج ۴: ۳۷۵، ۳۷۲، ۴۰۱، ۴۱۵، ۴۵۴، ۵۱۶).

منابع

- ابن اعثم، الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت: دار الاضواء، ١٤١١ق.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، تحقيق عبدالقادر عطا، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- ابن هشام، السيرة النبوية، تحقيق مصطفى سقا، بيروت: دار المعرفة.
- احمد بن ابى يعقوب، يعقوبى، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار صادر، بى تا.
- احمدى ميانجى، على، مكاتيب الائمة، تحقيق مجتبى فرجى، قم: دار الحديث، ١٣٨٥ش/١٤٢٧ق.
- حرّ عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
- حميرى، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق.
- خصيبى، حسين بن همدان، الهداية الكبرى، بيروت: البلاغ، ١٤١٩ق.
- طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم والملوك، تحقيق ابوالفضل ابراهيم، چاپ دوم، بيروت: دار التراث، ١٣٨٧ق/١٩٦٧م.
- قلقشندى، احمد بن على، صبح العاشى فى صناعة النشاء، بيروت: دار الكتب العلمية، بى تا.
- كلىنى، محمد بن يعقوب، الكافى، محقق و مصحح على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دار الكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
- محمد ماهر حمادة، الوثائق السياسية و الادارية للعصر العباسى الاول، چاپ چهارم، بيروت: مؤسسه الرسالة، ١٤٠٦ق.
- مختار الليثى، جهاد الشيعة فى عصر العباسى الاول، بيروت: دار الجيل، ١٣٩٦ق.
- مسعودى، على بن حسين، مروج الذهب، تحقيق اسعد داغر، قم: دار الهجرة، ١٤٠٩ق.
- مظفر، محمد حسين، تاريخ الشيعة، قم: مكتبة الحيدرية، ١٣٩١ش/١٤٣٣ق.
- منقرى، نصر بن مزاحم، وقعة صفين، قم: كتابخانه مرعشى نجفى، ١٣٦٣.